

مقاله پژوهشی

ظرفیت‌های منظر در تحقق مفهوم مشارکت در طرح‌های شهری*

مریم مجیدی

دکتری معماری، گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سیدامیر منصوری**

استادیار گروه معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

زاله صابر نژاد

استادیار گروه معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

ناصر براتی

دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۱

تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۱

چکیده | در سال‌های اخیر پروژه‌های زیادی در سطح شهرها اجرا شده است که به دلایل زیاد علی‌رغم توانایی‌هایشان، تأثیر عمده‌ای در کیفیت محسوس شهر و دآوری شهروندان از آن برجای نگذاشته‌اند و منظر شهری نابسامان امروز شهرها علی‌رغم تلاش‌های متولیان امر در افزایش کمی پروژه‌های آن، همچنان از بُعد کیفی و معنایی دارای مشکلاتی است که باعث ایجاد نارضایتی مردم می‌شود. شاید بتوان گفت دلیل اصلی این مسئله، مدیریت‌محور بودن و عدم حضور و مشارکت واقعی مردم در این پروژه‌هاست. به‌منظر می‌رسد هرچه پروژه‌های شهری به عنوان «منظر» دیده شوند، باب مشارکت نیز بیشتر باز می‌شود. رویکرد منظرین می‌تواند تضمین مشارکت زیربنایی در پروژه‌های شهری باشد. بنابراین سؤال اصلی پژوهش این است که چه ظرفیت‌های اختصاصی در رویکرد منظر وجود دارد که آن را جهت تحقق مفهوم مشارکت مناسب تلقی می‌کند؟ هدف از این پژوهش بررسی ارتباط نظری میان مفهوم منظر به عنوان مفهومی وابسته به مخاطب و مفهوم مشارکت، جهت الزام به‌کارگیری آن در تولید پروژه‌های شهری برای افزایش کیفیت و رضایتمندی مخاطب از این پروژه‌هاست. در این پژوهش کیفی، ابتدا مفاهیم اصلی پژوهش (مشارکت و منظر) بررسی شده و سپس با استفاده از قیاس و استدلال منطقی، به بررسی ارتباط میان مشارکت و منظر و تعریف این پژوهش از مشارکت مورد نظر در منظر پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد در تعریف منظر ادراک مخاطب مهمترین و اساسی‌ترین رکن است، بنابراین تعریف منظر تعریفی اساساً از پایین به بالا و از نگاه مخاطب است. همین دیدگاه اصلی‌ترین ظرفیت منظر در تحقق مشارکت را تبیین می‌کند، زیرا تعریف مشارکت نیز از دیدگاهی مردم‌محور نشأت می‌گیرد. در درجات بعدی مواردی چون تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مستمر مخاطب از منظر، نقش فعالانه او در ساخت منظر و در نهایت منظر به‌مثابه موجودیتی دموکراتیک، اجتماعی و وابسته به مردم، از ظرفیت‌های دیگر منظر است که ارتباط آن را با مفهوم مشارکت نشان می‌دهد. در نهایت می‌توان گفت در صورتی که پروژه‌های شهری با رویکرد منظرین ساخته شوند، به دلیل اینکه ناگزیر به شناخت ذهن مردم هستند، مشارکت حداکثری تأمین می‌شود و اساساً مشارکت مفهومی نهفته در منظر است.

واژگان کلیدی | منظر، رویکرد منظرین، مشارکت، ادراک منظر.

در راستای ارتقای کیفیت شهرها باشند؛ اما به دلایل زیاد علی‌رغم این توانایی‌ها تأثیر عمده‌ای در کیفیت محسوس شهر و دآوری شهروندان از آن برجای نگذاشته (منصوری،

مقدمه | امروزه در کنار حجم عظیم پروژه‌های منظر شهری، طرح‌هایی اجرا می‌شود که می‌توانند اقدامات مهمی

** نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۳۴۲۹۸۶ amansoor@ut.ac.ir

با استفاده از استدلال منطقی و مقایسه تعاریف کلیدی این دو مفهوم به بررسی ارتباط میان مشارکت و منظر و تعریف این پژوهش از مشارکت مورد نظر در منظر پرداخته شده است.

پیشینه پژوهش

در این پژوهش جهت یافتن پاسخ سؤال اصلی، از سه دسته مطالعات استفاده شده است. دسته اول مطالعات مربوط به حوزه «مشارکت» که جهت استخراج مفاهیم و تعاریف مربوط به مشارکت صورت گرفته است. می‌توان به عنوان مثال به مطالعاتی که در حوزه گونه‌شناسی مشارکت هستند اشاره کرد (Arnstein, 1969; Pretty, 1995; White, 1996; Smith, 2003; Lawrence, 2006; IAP2, 2007). دسته دوم مطالعات مربوط به حوزه «منظر» هستند که این مطالعات نیز جهت شناخت مفهوم رویکرد منظر بررسی شده‌اند و از آنها جهت تطبیق و بررسی ارتباط میان مشارکت و منظر استفاده شده است. در نهایت دسته سوم مطالعات مربوط به حوزه «مشارکت در منظر» که به منظور شناخت پژوهش‌هایی صورت گرفت که از هر دوی این مفاهیم در آنها استفاده شده است. از مطالعاتی که در ارتباط با مشارکت به ویژه در مناظر اروپایی ارائه شده‌اند می‌توان به پژوهش‌هایی همچون موانع اجتماعی در مواجهه با توسعه منظر مشارکتی در سوئیس (Buchecker, Hunziker & Kienast, 2003)؛ کاربرد طرح در طراحی منظر مشارکتی در دانمارک (Tress & Tress, 2003)؛ چالش‌های مشارکت در کنوانسیون اروپایی منظر (Jones & Stenseke, 2011; Jones, 2007, 2011)؛ مبانی و گزارش مشارکت عمومی در منظر (Conrad et al., 2011)؛ بررسی مشارکت در نظریه و عمل در کنوانسیون اروپایی منظر (Butler & Berglund, 2014)؛ تدوین تئوری مشارکت عمومی در حوزه برنامه‌ریزی منظر (Butler, 2014) و مزایا و محدودیت‌های فرایندهای مشارکت در منظر (Loures, Gómez, Castanho & Loures, 2020) اشاره کرد. در پژوهش‌های داخلی نیز در حیطه مشارکت در منظر می‌توان به مقاله «مفهوم طراحی مشارکتی منظر» اشاره کرد که در آن نویسندگان به مفهوم‌سازی طراحی مشارکتی در منظر پرداخته‌اند (منصوری و فروغی، ۱۳۹۷). این پژوهش در راستای پژوهش‌های پیشین بوده ولی آنچه آن را از سایر مطالعات این حوزه متمایز می‌کند این است که پژوهش حاضر به دنبال یافتن ارتباط در حوزه نظری میان دو مفهوم منظر و مشارکت است. هیچ‌کدام از پژوهش‌ها به این نکته اشاره نکرده‌اند که چرا رویکرد منظر نسبت به سایر دیسپلین‌های طراحی محیط شرایط مناسبتری برای مشارکت فراهم می‌کند. در تصویر ۱ خلأ پژوهش و آنچه این نوشتار در پی پاسخ به آن است نشان داده شده است.

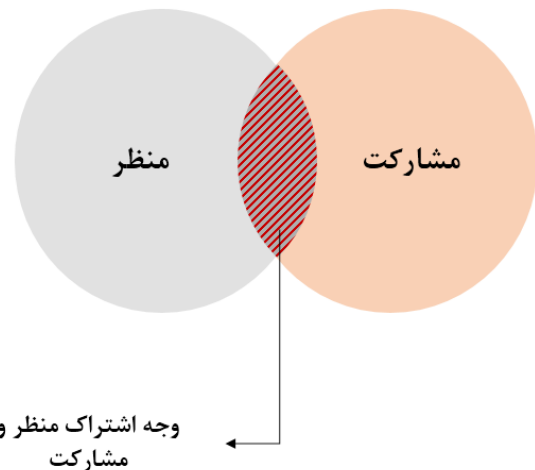
۱۳۹۲) و منظر شهری نابسامان امروز شهرها، علی‌رغم تلاش‌هایی که متولیان امر در افزایش کمی پروژه‌های آن داشته‌اند، همچنان از بُعد کیفی و معنایی دارای مشکلاتی هستند که باعث ایجاد نارضایتی در مردم می‌شود. دلیل این امر شاید این باشد که مناظر شهری امروز به عنوان موجودیتی ادراک‌شده، بدون در نظر گرفتن ادراک مخاطبان از آن شکل گرفته و اغلب به جای آنکه مخاطب‌محور باشند، مدیرمحور هستند. روند تصویب پروژه‌های شهری و ضعف در مشارکت مردمی در فرایند تهیه و تصویب برنامه‌ها نیز جزئی از نقاط ضعف پروژه‌های منظر شهری است. اگر طراح نتواند منظر را از چشم مردم ببیند، نتیجه عدم رضایت و مقبولیت طرح از جانب مردم خواهد بود. شاید بتوان گفت دلیل اصلی این مشکل، مغفول ماندن وجه منظرین این طرح‌هاست، زیرا به نظر می‌رسد منظر دارای پتانسیل‌هایی است که دستیابی به مشارکت را بیش از سایر دیسپلین‌ها محقق می‌کند. بنابراین مسئله منظر امروز محدود شدن مشارکت است (Buchecker, Hunziker & Kienast, 2003). به عبارت دیگر میان آنچه در نظریه منظر مطرح می‌شود با آنچه در عمل با آن برخورد می‌شود تناقض وجود دارد. در شرایط کنونی طرح‌ها و پروژه‌های شهری در ایران به وسیله متخصصان و بدون مشارکت شهروندان انجام می‌شود که پیامد آن فضاهای شهری است که سلیقه اقلیت طراحان را در مقابل اکثریت استفاده‌کنندگان در اولویت قرار می‌دهد. بنابراین به نظر می‌رسد با توجه به اهمیت مقوله مشارکت و منظر، بررسی ارتباط میان این دو مفهوم در نظریه ضروری خواهد بود. در همین راستا این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال اصلی است که چه ظرفیت‌هایی در رویکرد منظر وجود دارد که آن را جهت تحقق مفهوم مشارکت مناسب تلقی می‌کند؟ جهت پاسخگویی به سؤال فوق، این فرضیه مطرح می‌شود که: به نظر می‌رسد چنانچه رویکرد حاکم بر پروژه‌ها به «رویکرد منظرین» تغییر یابد، یعنی پروژه‌های شهری به عنوان «منظر» دیده شوند، باب مشارکت نیز بیشتر باز می‌شود. رویکرد منظرین به پروژه‌های شهری می‌تواند تضمین‌کننده مشارکت حداکثری و مؤثر در آنها باشد.

روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت کیفی است و جهت یافتن ارتباط نظری میان مفهوم «مشارکت» و مفهوم «منظر»، ابتدا متناسب با پرسش پژوهش از طریق مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای ادبیات پژوهش از میان سه حوزه اصلی پژوهش یعنی «مشارکت»، «منظر» و «مشارکت در منظر» جستجو شده و دیدگاه‌ها و رویکردهای مرتبط با سؤال اصلی پژوهش از طریق تحلیل محتوای این متون جمع‌آوری شده است. سپس

تعریف را نشان می‌دهد و به معنای «شرکت کردن» است. اگر به طریقه ساخت این فعل ترکیبی توجه کنیم، متوجه می‌شویم که معنای اصلی آن مفهوم «بخشی (part) از یک فرایند عظیم‌تر بودن» را نشان می‌دهد. به همین دلیل است که فرهنگ‌ها واژه مشارکت را مترادف participation در نظر گرفته‌اند (منصوری و فروغی، ۱۳۹۷).

این کلمه از حدود دویست سال پیش برای اولین بار در امور سیاسی اروپا برای مشارکت مردان در رأی‌دادن و تصمیم‌سازی مطرح شد. پس از آن، به تدریج استفاده از این کلمه در سایر ابعاد اجتماعی و محیطی اروپا رواج پیدا کرد و در پایان دهه ۱۹۷۰ روند کلی توسعه را تحت تأثیر قرار داد. برخی همچون «هابراکن» مشارکت را دارای دو تعریف با معانی متفاوت می‌دانند: اول مشارکت به معنی واگذاری نقش‌های تعیین‌کننده به کاربران که در مسئولیت تصمیم‌گیری با متخصصان سهیم هستند؛ و نوع دوم مشارکت که هیچ‌گونه تغییر مسئولیت را بین کاربران و متخصصان نشان نمی‌دهد اما در عوض فقط عقیده کاربر را در تصمیم‌گیری در نظر می‌گیرند (Habracken, 1986). برخی دیگر همچون «بیرو»^۱ از منظر جامعه‌شناسی دو معنا برای مشارکت قائل هستند. در معنای اول مشارکت را شرکتی فعالانه در گروه می‌داند که به «فعالیتی اجتماعی» اشاره دارد و در معنای دوم از تعلق خاطر گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد. گروهی دیگر مشارکت را فرایندی می‌دانند که در آن افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها تصمیم می‌گیرند نقش فعالی در تصمیم‌گیری‌هایی که بر آنها تأثیرگذار است باشند (Rowe & Frewer, 2004; Reed, 2008). یعنی در یک تعریف ساده، دخالت مؤثر اعضای یک گروه، جامعه یا نمایندگان آنها در تمامی فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی که به کل گروه و جامعه مربوط می‌شود. برخی نیز مشارکت را به عنوان «عمل نقش‌داشتن در چیزی» تعریف کرده‌اند (Wates, 2014). انجمن بین‌المللی مشارکت عمومی^۲ مشارکت را این‌گونه تعریف می‌کند: مردم باید در تصمیم‌گیری در مورد اقداماتی که ممکن است بر زندگی آنها اثر بگذارد، امکان بیان نظرات خود را داشته باشند و نقش آنها بر تصمیمات تأثیر خواهد گذاشت (IAP2, 2007). مشارکت دربرگیرنده گروهی از روندها و رویه‌ها است که برای مشورت، مشارکت و اطلاع‌رسانی به عموم جامعه کاربرد دارد و به آن دسته از افرادی که تحت تأثیر تصمیمی قرار می‌گیرند اجازه می‌دهد تا داده‌های ورودی برای آن تصمیم پدیدآورند (Smith, 2003). از دیدگاه سانوف در طراحی محیط، مشارکت به معنای دخالت مردم در ایجاد و مدیریت محیط‌های خود است. از نظر وی «کنش» مشارکت بر این اصل استوار است که نقش منفعلانه مردم در خلق و



تصویر ۱. خلأ پژوهش و آنچه در ابتدا از ارتباط میان مفهوم منظر و مشارکت تصور می‌شود. مأخذ: نگارندگان.

مبانی نظری پژوهش • معانی و مفاهیم مشارکت

واژه «مشارکت» طی چند سال اخیر متون توسعه را تحت سیطره خود قرار داده است. کاربرد گسترده این مفهوم در میان انواع نهادها و مؤسسات از سازمان‌های غیردولتی بنیادی تا نهادهای دولت محلی و بانک جهانی، سؤالاتی در مورد مفهوم واقعی این واژه بسیار مبهم و سردرگم‌کننده مطرح کرده‌اند (Cornwall, 2008). این واژه به عنوان یکی از پیچیده‌ترین و بحث برانگیزترین موضوعات علمی است و با توجه به زمینه علمی آن، تعاریف گوناگونی از آن نیز ارائه شده است. در طول تاریخ توسعه و در زمینه‌های مختلف مشارکت، این واژه با معنای ایدئولوژیستی، اجتماعی، سیاسی و روش‌شناختی به کار گرفته شده و تفسیرهای مختلفی از آن ارائه شده است (Lawrence, 2006). این واژه انعطاف‌پذیر می‌تواند در مورد هر چیزی که به نحوی شامل مردم است استفاده شده و از چنین مفهومی برخوردار باشد (Cornwall, 2008). بنابراین مشارکت رویکردی مردم‌محور است (Loures et al., 2020). «مشارکت» غالباً در دو باب مفاعله و تفاعل در نظر گرفته شده و در این مورد به معنای انجام فعل توسط چند فاعل و همچنین به معنی شرکت دوجانبه و متقابل افراد برای انجام امری است. در زبان انگلیسی این واژه معادل participation است که از ریشه part (به معنای جز و بخش) گرفته شده و از ریشه لاتین PARTICIPA به معنای «با خود داشتن»، «در نفس خود چیزی از غیر داشتن» و «در چیزی سهیم شدن» یا «گرفتن قسمتی از آن چیز» است. در فرهنگ آکسفورد آن را «کنش یا واقعیت شرکت‌داشتن و سهیم‌داشتن» معنی کرده‌اند. همچنین در دیکشنری لانگمن این واژه بدین صورت معنا شده است: Participate: an in part take to formal.

برای جمع‌بندی این بخش می‌توان گفت که «مشارکت»، یک مفهوم کلی و چیزی بیش از صرفاً یک فرایند ارتباطی است. یک کنش، و مفهومی مردم‌محور و مخاطب‌محور بوده و جوهره اصلی آن شرکت دوجانبه، تعاملی، فعالانه و متقابل افراد، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری است. در واقع مشارکت رویکردی از پایین به بالا و از دیدگاه مردم است و نه مسئولان و مدیران. این واژه بر مفهومی دلالت دارد که تحقق آن پیچیده بوده و باید از ابتدا در ذات یک فرایند وجود داشته باشد. امری نیست که بتوان به یک پروژه یا فرایند الحاق کرد. در نهایت می‌توان گفت مشارکت به معنای حضور دائمی، فعالانه و مؤثر مخاطب در یک فرایند است.

• منظر و رویکرد منظرین

منظر پدیده‌ای است که هم ماهیت عینی و واقعی دارد و هم ماهیت ادراکی. به عبارت دیگر نوعی پدیده پیچیده که می‌توان آن را از طریق رویکردهای علمی، تجربه ذهنی و همچنین اصطلاح نظری تحلیل کرد؛ هم محصول است و هم تولیدکننده محصول (Egoz, Makhzoumi & Pungetti, 2011). در واقع منظر مکانیسم ادراک انسان از مکان را تئوریزه کرده و از مکان به عنوان وجود واحد یاد می‌کند که دو بخش بیرونی (ماده) و درونی (ذهنی) آن قابل تفکیک نیستند (منصوری، ۱۳۸۳). به این معنی که منظر نه صرفاً عینی و نه صرفاً ذهنی، بلکه سیار و وابسته به ادراک مخاطب است. پدیده‌ای است که به واسطه تعامل انسان با محیط به وجود می‌آید و از این‌رو مقوله‌ای عینی-ذهنی است. کالبد محیط وجه عینی آن و ادراک ناظر وجه ذهنی آن را تشکیل می‌دهد که دو جزء جدایی‌ناپذیر هستند. در واقع منظر مفهوم نوینی برای توصیف روابط فضای مادی و انسان‌هایی است که آن را ادراک می‌کنند (برک، ۱۳۹۲) و از کنار هم قرارگیری دو عنصر مستقل کالبد (ماده) و ذهن (معنا) مخاطب پدید می‌آید. از آنجایی که اساساً میان ذهن و ماده یا معنا و ماده جدایی وجود ندارد، بنابراین منظر تصویری در لابه‌لای تصورات انسان که توسط چشم برداشت شود، یا ماده بی‌شکلی که منتظر است تا دست سلیقه انسانی خود را به آن تحمیل کند نیست، بلکه منظر از طریق زندگی در آن به عنوان بخشی از ما محسوب می‌شود. درست مثل اینکه ما بخشی از آن محسوب می‌شویم (Ingold, 1993). منظر شهر نیز به عنوان جزئی از کل منظر، همان ادراکات ما از شهر است و پدیده‌ای است «عینی-ذهنی» که از طریق تجربه انسان و در تعامل میان انسان و محیط آشکار می‌شود. بنابراین انسان و ادراکات او از شهر، نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم منظر شهری دارند و هر یک بدون دیگری معنایی نداشته و ناقص تلقی می‌شود. در نتیجه مفهوم منظرین شهر به مثابه پدیده مشترک میان کالبد، رویدادها و ذهنیت ساکنان است و براساس ماهیت

اداره محیط‌ها، باید جای خود را به حرکتی فعالانه در این امر دهد. از نظر او مشارکت تنها با هدف دستیابی به توافق نیست، بلکه دخالت دادن مردم در سازگاری و ایجاد تغییرات معنادار و مثبت در محیط‌هایشان نیز مدنظر است (Sanoff, 2010). در ادامه نگاهی به مطالعات حوزه مشارکت نشان‌دهنده تعریف گونه‌شناسی‌ها و سطوح مختلف برای آن است که در واقع نشان‌دهنده تمایز بین میزان و انواع مشارکت هستند. برخی گونه‌شناسی‌ها درجه مشارکت ذی‌نفعان را متمایز می‌کنند (Arnstein, 1969; Pretty, 1995; White, 1996; Smith, 2003; Lawrence, 2006; IAP2, 2007). به عنوان مثال می‌توان به نردبان مشارکت «آرنشتاین»^۲ اشاره کرد که در آن سه سطح کلی عدم مشارکت، مساوات‌طلبی نمایشی و قدرت مردم مشخص شده است. همچنین می‌توان به طبقه‌بندی «پرتی»^۳ اشاره کرد که مشارکت را به هفت سطح از مشارکت فریبکارانه و متظاهرانه تا خودبسیج‌سازی تقسیم می‌کند. در طبقه‌بندی وایت^۴ نیز که شباهت‌هایی به کار پرتی دارد، چهار سطح مشارکت از صوری و نمایشی تا تحول‌آفرین متفاوت وجود دارد. برخی دیگر به جای درجه نقش‌آفرینی بر ماهیت تأکید دارند و انواع مختلف مداخله عموم را با هدف ارتباط بین گروه‌های مختلف شناسایی کرده‌اند. مطابق با این نظر، ارائه اطلاعات به دریافت‌کننده منفعل «ارتباط»، گرفتن اطلاعات از مشارکت‌کنندگان «مشاوره» و ارتباط دو طرفه بین مشارکت‌کنندگان و سازمان‌های اجرایی که اطلاعات را به صورت گفتگو و بحث مبادله می‌کنند، «مشارکت» نام دارد (Rowe & Frewer, 2004). گونه‌شناسی‌های دیگر مشارکت بر پایه نظری به‌ویژه تمایز بین مشارکت هنجاری و یا عملگرا تأکید دارند. مشارکت هنجاری بر فرایند متمرکز است و پیشنهاد می‌کند که مردم، حق دموکراتیک برای مشارکت در تصمیم‌سازی محیطی داشته باشند. بحث‌های عملگرایانه بر مشارکت به عنوان ابزاری برای رسیدن به یک هدف ارزش قائل است، در صورتی که بتواند منجر به تصمیماتی با کیفیت بالاتر شود. همچنین، تلاش‌هایی برای توسعه گونه‌شناسی‌هایی براساس اهداف کاربرد مشارکت صورت گرفته است. به عنوان مثال عده‌ای مشارکت «طراح محور» را که بر خروجی متمرکز است با مشارکت «مردم محور» که به ذی‌نفعان قدرت و ظرفیت تعریف و برآورده کردن نیازهای خودشان را می‌دهد، مقایسه کرده‌اند (Reed, 2008). در واقع این گونه‌شناسی‌ها نشان می‌دهند که تحقق مشارکت امری پیچیده است و همین امر این مفهوم را به مفهومی انحراف‌پذیر و قابل دستکاری، هدایت و قابل کنترل تبدیل کرده است. به این معنا که هر ارتباط یا کسب اطلاعات یا بیان نظرات به معنای مشارکت نخواهد بود و برای اینکه فرایندی مشارکت تلقی شود باید واجد شرایط خاصی باشد.

از ادراک مخاطب و سازندگان منظر منتج می‌شود و وابسته به قوانین و آداب و رسوم سازندگان منظر است. در واقع موجودیت سیاسی منظر، یکی از وجوه منظر است که می‌تواند با مفهوم مشارکت مرتبط باشد.

• ادراک منظر

ادراک منظر نقطه‌ی مقابل موجودیت مادی آن است. منظر تجربه‌ای ذهنی و مبتنی بر تعامل وجودی با آن است (Butler, 2014). تمرکز بر فرد، منجر به آشکارشدن تلویحات ضمنی اجتماعی می‌شود که در اصل در بطن کنش‌های مشارکت و درگیری نهفته‌اند. بنابراین مداخلات نظری جایگزین احتمال روش‌های متفاوتی برای درک سوژه فراهم کرده و منظر را به عنوان مقوله‌ای معرفی کرده‌اند که می‌توان به آن از طریق سایر چشم‌اندازهای مفهومی مانند پدیدارشناسی نگاه کرد (Wylie, 2013). این نگاه به نقش غیرقابل انکار مخاطب و ذهن و ادراک او در مفهوم منظر توجه دارد و منظر را به عنوان محیطی برای درگیری و مشارکت تلقی می‌کند.

همچنین ادراک منظر به صورت تابعی از تعامل بین انسان و منظر در نظر گرفته می‌شود. یعنی همواره تعامل ادراکی میان منظر و انسان وجود دارد و این تعامل ادراکی می‌تواند نتایجی همچون ایجاد رضایت یا نارضایتی داشته باشد. بنابراین هرگونه پرداختن به منظر، نیازمند پرداختن به ذهنیت مخاطب است (Backhaus, Fryd & Dam, 2017). در این مسیر تمایزهای فرهنگی، اجتماعی و تاریخی ادراک و به عبارت دیگر آنچه ذهنیت انسانی را می‌سازد باید شناخته شود (منصوری، ۱۳۸۳). این فرایند منظر را از یک تصویر مشاهده‌شده به مجموعه‌ای از اعمال سوق می‌دهد که در آن ادراکات با عمل منظرسازی یا مشارکت در منظر ایجاد شده‌اند. هرچا ادراک منظر بر چیزی بیش از عناصر فیزیکی اتکا کند، بر فعالیت‌هایی که در منظر صورت می‌گیرد و تفکرات فردی، معانی و شناخت‌ها نیز متمرکز می‌شود. منظر از اثر متقابل فعال بین مشاهده‌کننده و مشاهده‌شونده شکل می‌گیرد. در واقع تعریف کنوانسیون اروپایی منظر نیز بر پایه‌ی این مفهوم از منظر شکل گرفته است: منظر به معنای ناحیه‌ای است که به وسیله‌ی مردم درک می‌شود و ویژگی‌های آن محصول کنش و برهم‌کنش عوامل انسانی و / یا طبیعی است. مردم با ادراک، استفاده و تغییر منظر، هم به صورت فیزیکی و هم در ذهنشان نقشی سازنده در آن ایفا می‌کنند. ما تنها با تبدیل شدن به جزئی فعال از کل فضای اطرافمان و ادراک روندهای جاری دگرگونی آن می‌توانیم این فضا را بفهمیم. به این ترتیب منظر تنها موجودیتی فیزیکی نیست که با اندازه‌گیری و مشاهده تحلیل شود، بلکه مطالعه‌ی منظر مستلزم توجه به ناظر و مخاطب است (Schultz & Von Etteger, 2017).

منظر می‌توان گفت رویکرد منظرین به شهر رویکردی کل‌نگر است که عینیت و ذهنیت در آن غیرقابل تفکیک هستند و ادراک و ذهن مخاطب در آن نقش اصلی را ایفا می‌کند. با توجه به تعاریفی که از رویکرد منظر صورت گرفت می‌توان گفت که برای منظر جنبه‌های متفاوتی در نظر گرفته شده که از مهمترین آنها می‌توان به: منظر به مثابه پدیده‌ای بصری، تجربه و ادراک منظر، منظر به مثابه پدیده‌ای سیاسی و جسمانیت منظر اشاره کرد. اما به نظر می‌رسد دو جنبه‌ی آن که می‌تواند با مفهوم مشارکت بیشتر مرتبط شود، ۱. تلقی منظر به مثابه موجودیتی سیاسی و ۲. ادراک منظر است که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

• منظر به مثابه موجودیتی سیاسی

این وجه از منظر بر مفهوم اجتماعی آن دلالت دارد. مطالعات معماری منظر از اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی، چرخش اجتماعی داشته و موضوعات جدیدی از جمله عدالت و دموکراسی در منظر را مطرح می‌کند. این مفهوم جدید منظر با ابداع دستورالعمل‌های مدیریت منظرین و طی روندی مشترک میان سیاسیون، متخصصان و جامعه انسانی، علاوه بر معطوف شدن بر حفاظت منظرها، به ساماندهی و نگهداری آنها نیز می‌پردازد. به این ترتیب، معنای «مشارکت مردمی» در آینده منظرهای زندگی روزانه پیش کشیده شده است. در این دیدگاه، منظر بازنمایی چیزی بیش از مکان‌هایی است که ما به صورت مستقیم با آنها مواجه می‌شویم؛ درواقع منظر نشان‌دهنده تأثیرات اجتماعی وسیع است (Butler, 2014). در تعریف منظر شاهد تغییر تعریف از منظر به عنوان یک چشم‌انداز یا صحنه، به مفهوم منظر به عنوان جامعه سیاسی هستیم (Olwig, 2007). مفهوم‌سازی منظر در سیاست نیز بیشتر متکی بر ادراک افرادی است که آن را تجربه می‌کنند (Butler, 2014). تفاوت بین لفظ و عمل، دو مفهوم غالب منظر را نشان می‌دهد. یکی موجودیتی دموکراتیک که توسط کسانی که آن را تجربه می‌کنند درک می‌شود (Olwig, 2005; Roe, 2013) و دیگری موجودیتی عینی، فیزیکی، مشاهده‌شده و قابل اندازه‌گیری. در حالی که منظر عمیقاً به عنوان یک نهاد دموکراتیک تثویز می‌شود و فضای لازم برای پرداختن به مجموعه ارزش‌ها را فراهم می‌کند (Butler, 2014)، در عمل همچنان به عنوان موجودیتی بصری و فیزیکی که توسط افراد ناآشنا هدف گرفته می‌شود با آن برخورد می‌شود (Conrad et al., 2011). این موضوع متعاقباً بر نحوه مفهوم‌سازی و بهره‌برداری از مشارکت عمومی در موضوعات منظر تأثیرگذار است. آنچه مطرح شد، توجه ما از منظر را به سمت پدیده‌ای با موجودیت اجتماعی و مبتنی بر سیاست جلب می‌کند. بنابراین آنچه از این بخش می‌توان استدلال کرد این است که منظر به مثابه امری سیاسی نیز

نامبرده از ارتباط مشارکت و منظر یک رابطه سطحی نیست، بلکه رابطه‌ای کارا، مؤثر و گسترده است؛ زیرا «مخاطب‌محور» بودن از ویژگی‌های اصلی و بنیادین هر دو مفهوم است. در ادامه ادبیات منظر نشان داد که از دیگر ویژگی‌های اصلی منظر این است که گفته می‌شود «پدیده‌ای عینی-ذهنی» و «حاصل تعامل مردم با محیط» است. منظور از ذهن، ذهن انسان و اجتماع به‌وجود آورنده آن منظر است. یعنی در منظر ذهن انسان ناظر هم «مشارکت» داشته و بنابراین ذهن مبنای طراحی قرار می‌گیرد. همین موجب می‌شود که ماهیت آن صرفاً مادی نباشد. این مسئله در وجه ادراکی منظر نیز نمود پیدا می‌کند. همه نقاطی که اکثر پروژه‌های شهری از آنجا امکان انحراف و لغزش دارند، در همین بخشی است که منظر را به‌واسطه عینی-ذهنی بودن آن یک موجودیت وابسته به مخاطب معرفی می‌کند. بنابراین مدیر، سلیقه، عملکرد و غیره تبدیل به فاکتورهایی می‌شوند که اگر با ذهن مخاطب همسو باشند قابل دفاع و توجه هستند. به همان صورت اگر این ذهنیت در نظر گرفته نشود نتیجه‌ای همچون پروژه پیاده‌راه ۱۷ شهریور و میدان امام حسین (ع) خواهد داشت (تصویر ۲)، که به سبب عدم توجه به فاکتورهای مرتبط با ذهن، به عدم رضایتمندی مخاطب و در نتیجه عدم استقبال از آن منجر شده است (مجیدی، ۱۳۹۸). پروژه‌های مدیرمحور و قیم‌مآبانه که بدون توجه به مخاطب، ذهنیت او و زمینه به وقوع پیوسته است. آنچه در پروژه‌های شهری امروز دیده می‌شود مغفول ماندن همین وجه منظرین آنهاست. در پروژه جدید «گذر شهریار»^۷ نیز اتفاقی مشابه افتاده است (تصویر ۳)، زیرا نوع نگاه خالق این فضا با نمونه قبلی آن تفاوت چندانی نداشته و تنها عنوان و عملکرد از «آیینی» به «فرهنگی» تغییر کرده است. هرچند این پروژه با شعار مشارکتی بودن ایجاد شده است اما به‌نظر می‌رسد این مفهوم دچار معضل تکراری بودن و ابتذال از طرفی، و در حاشیه

دستیابی به ادراکات منظر به تحقق تنوع ادراکات افرادی که تحت تأثیر منظر قرار دارند کمک خواهد کرد. درواقع ارتباط مشارکت با ادراک منظر، از طریق بُعد ذهنی منظر است. زیرا منظور از ذهن، ذهن مخاطب است. هرکجا پای مخاطب در میان باشد، مشارکت ظهور می‌یابد.

بحث: صفات اختصاصی منظر در تحقق مفهوم مشارکت

این پژوهش از دو بخش اصلی تشکیل شد. بخش اول که به بررسی ادبیات مشارکت اختصاص داشت نشان داد صفت اصلی مشارکت، «مردم‌محور» بودن آن است و در مورد هر چیزی که به نوعی شامل مردم باشد استفاده می‌شود. از طرفی بررسی ادبیات منظر نیز نشان داد که یکی از شروط اساسی رویکرد منظر «مخاطب‌محور» بودن آن است. منظر از دید متخصصان و نخبگان تعریف نمی‌شود، بلکه از دید مخاطب تعریف می‌شود. منظور از مخاطب آن مخاطبی است که فعالانه در فرایند فهم و تولید فضا نقشی مؤثر و غیرقابل اجتناب دارد. بنابراین اقبال عمومی در آن از ملزومات است. هنگامی که واکنش و نظر بهره‌بردار به عنوان یکی از شروط ارزیابی منظر قرار بگیرد، به این معناست که منظر قدرت توسعه مشارکت و برقراری یک «مشارکت واقعی» را خواهد داشت. این نوع مشارکت، یک مشارکت تشریفاتی نیست. در سایر رشته‌های طراحی محیط همچون معماری و شهرسازی نیز از مشارکت صحبت می‌شود اما به‌نظر می‌رسد صحبت از یک نوع «مشارکت اختیاری» است که اگر وجود داشته باشد بهتر است و به افزایش کیفیت محیط کمک می‌کند ولی اگر وجود نداشته باشد ماهیت عمل دچار خدشه نخواهد شد. در صورتی که نوع مشارکت نهفته در مفهوم رویکرد منظر، یک نوع «مشارکت اجباری» است. زیرا در تعریف آن گفته می‌شود که رویکردی است مخاطب‌محور، در نتیجه ارزیابی آن وابسته به نظر مخاطب است. بنابراین وجه



تصویر ۳. نمایی از گذر شهریار، تهران. عکس: مریم مجیدی، ۱۳۹۹.



تصویر ۲. پیاده‌راه ۱۷ شهریور تهران که در روزهای عادی حضور مردم در آن بسیار کم است. عکس: مریم مجیدی، ۱۳۹۸.

مخاطب است که اساساً تعریف فضا را بر مبنای ادراک مخاطب از آن فضا تعریف می‌کند. بنابراین مخاطب و مشارکت، دو جز غیرقابل تفکیک از رویکرد منظرین هستند. مشارکت نمی‌تواند یک رویکرد الحاقی یا انضمامی به یک پروژه باشد، بلکه باید در کنه نگاه طراح و برنامه‌ریز به آن فضا حضور داشته باشد و خود پروژه و هستی آن براساس مشارکت ایجاد شود که رویکرد منظر این امر را محقق می‌کند. اینکه ما بپذیریم که ادراکات گوناگون در تولید و ایجاد منظرها نقش دارد و درعین حال مردم از منظرها ادراکات متفاوتی دارند، ارتباط مشارکت و منظر را برای ما بیش از پیش تقویت خواهد کرد. بنابراین مشارکت نمی‌تواند اقدامی فرمایشی و مزدورانه باشد. بنابراین با استفاده از تحلیل محتوای ادبیات دو مفهوم منظر و مشارکت، و استخراج مفاهیم کلیدی آنها می‌توان پنج ظرفیت منظر که در تحقق مشارکت نقش دارند را برشمرد. در جدول ۱، به‌طور خلاصه به ظرفیت‌های اختصاصی منظر در تأمین مشارکت در طرح‌های شهری، از طریق قیاس میان دو مفهوم و استدلال منطقی، اشاره شده است. در نهایت می‌توان این‌گونه استنباط کرد که ایجاد هرگونه اختلال در منظر (مانند آنچه در پروژه میدان امام حسین (ع) اتفاق افتاد)، به معنای عدم مشارکت خواهد بود به این معنا که هر پروژه منظر شهری زمانی موفق خواهد بود که افزایش توجه به منظر در آن مشهود باشد. افزایش توجه به منظر یعنی افزایش حضور مخاطب و افزایش حضور مخاطب به این معناست که مردم در

بودگی از طرف دیگر شده است. تبدیل چند خانه به فضاهایی همچون کافی‌شاپ و امثال آن نیز به عنوان اقدامی برای جذب مخاطب، بیشتر شبیه رانتهایی برای حضور مخاطب هستند که استفاده از آنها (که برای رونق فضا لازم بوده ولی کافی نیستند) قطعاً می‌توانند به عنوان کشش و جاذبه‌ای اولیه برای این فضاها باشند، اما تنها در صورتی که با حذف آنها باز هم مخاطب تمایلی به آمدن به آن فضا و یا ماندن در آن داشت، یعنی ظرفیت‌های فضایی درست انتخاب شده‌اند. این اقدامات نباید موجب شود مردم به‌جای آنکه طالب منظر این فضا باشند، خواهان نوع فعالیت آن شوند. علاوه بر آن ورود مخاطب از مراحل ابتدایی یعنی در تعریف پروژه، می‌توانست به شناخت هرچه بیشتر این فضا کمک کند. زیرا اینکه مخاطب این فضا را به چه می‌شناسد، در اینکه این فضا چه می‌تواند باشد تأثیرگذار بوده و تنها با مطالعه ذهن او امکان‌پذیر است.

در ادامه، بررسی ادبیات مشارکت نشان داد که از دیگر ویژگی‌های اصلی مشارکت بخشی از چیزی بودن، داشتن سهمی در هستی چیزی و نقش داشتن در چیزی است، آن هم به معنی حضور و نقشی فعالانه و نه منفعل. این همان نقشی است که ناظر و مخاطب در تولید منظر دارد؛ نقشی جدایی‌ناپذیر و جزئی لاینفک. بنابراین هنگامی که بحث مخاطب مطرح می‌شود، مشارکت به معنای واقعی آن ظهور می‌یابد. جایگاه مشارکت در رویکرد منظرین همانا مخاطب‌محور بودن و اهمیت به جایگاه ذهن

جدول ۱. ظرفیت‌های اختصاصی منظر در تأمین مفهوم مشارکت در طرح‌های شهری. مأخذ: نگارندگان.

مفهوم	ویژگی‌های اصلی	اشتراکات و ظرفیت‌های اختصاصی
۱	- شامل مردم بودن - مردم‌محور بودن	
۲	- بخشی از چیزی بودن - در نفس خود چیزی از غیر داشتن - داشتن سهم در هستی چیزی - نقش داشتن در چیزی - در چیزی سهیم شدن	
مشارکت	۳ - شرکت فعالانه، دوجانبه و متقابل افراد - ارتباط دوطرفه	۱- مخاطب‌محور- توجه به ناظر ۲- ذهن مخاطب دربرگیرنده نقش اصلی در ادراک منظر ۳- ادراک مخاطب به‌طور فعالانه دخیل در ساخت منظر ۴- تأثیرگذاری مخاطب بر منظر و تأثیرپذیری از آن ۵- منظر به‌مثابه موجودیتی دموکراتیک
	۴ - تأثیرگذاری و تأثیرپذیری - دخالت مؤثر	
	۵ - به‌مثابه حق دموکراتیک	
رویکرد منظر	- مخاطب‌محور، توجه به ناظر و مخاطب - پدیده‌ای عینی-ذهنی - مبتنی بر ادراک مخاطب - حاصل تعامل مردم با محیط - مبتنی بر تجربه ناظر - مفهومی اجتماعی - موجودیتی دموکراتیک	

آنچه در ابتدای پژوهش (ن.ک تصویر ۱) تصور می‌شد، تصویری مبتنی بر وجود اشتراکاتی میان منظر و مشارکت بود، اما بررسی این دو مفهوم نشان داد که مشارکت، رکن اصلی و لاینفک در منظر است بدین معنی که چنانچه در طرح‌ها و پروژه‌های شهری مشارکت مردمی وجود نداشته باشد، آن پروژه اساساً منظر نخواهد بود. مشارکت حداکثری ذهن مخاطب، در رویکرد منظرین اتفاق می‌افتد. بنابراین می‌توان تصویر ۱ را به صورت تصویر ۴ تغییر داد. در اینجا فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه رویکرد منظر می‌تواند تضمین‌کننده مشارکت حداکثری در پروژه‌ها باشد نیز اثبات می‌شود. زیرا چنین رویکردی به دلیل محور قراردادن مخاطب، در پی حفظ هویت و اصالت فضاها بوده و صرف نگاه کالبدی را برای موفقیت یک پروژه کافی نمی‌داند، بلکه قائل به در نظر گرفتن فضا به صورت یک کل واحد، متشکل از دو بُعد عینی و ذهنی است. بدیهی است در صورتی که مخاطب و ذهن او در محیط در نظر گرفته شود، مخاطب خود را همواره جزئی از آن فضا دیده و متقابلاً فضا را متعلق به خود می‌داند. همین امر رضایتمندی او را نیز به دنبال خواهد داشت. بنابراین چنانچه به دنبال توسعه مشارکت در پروژه‌ها و به دنبال آن افزایش رضایتمندی مخاطب از آنها هستیم، رویکرد منظر می‌تواند نسبت به سایر دیسپلین‌های طراحی محیط، پاسخ مناسب‌تری برای آن داشته باشد. این امر از طریق ورود هر چه بیشتر متخصصین منظر به ارگان‌های مربوطه و تثبیت حضور آنها به عنوان بخشی از تیم پژوهش و طراحی پروژه‌های شهری امکان‌پذیر خواهد بود.

فضایی قرار می‌گیرند که آن را می‌فهمند، درک می‌کنند و با آن خاطره دارند، در نتیجه احساس رضایت از طریق توجه به معیارهای مرتبط با ذهن مخاطب افزایش خواهد یافت. زیرا چگونه می‌توان یک موجودیت ادراک شده را بدون توجه به کسانی که آن را ادراک می‌کنند بررسی و ارزیابی کرد؟ بنابراین اینکه مشارکت را در چه سوژه‌ای از چه کسی سؤال کنیم، بخشی از تحقق یک مشارکت واقعی است که رویکرد منظر این امکان را فراهم می‌کند. منظر و رویکرد منظرین با مخاطب و ذهن او تعریف می‌شود، و بدون آن اساساً منظر وجود نخواهد داشت. از طرفی وجود مخاطب و نقش غیرقابل انکار آن در تعریف منظر، منظر را همواره در مشارکت مخاطب می‌بیند. در واقع به نظر می‌رسد مشارکت در منظر، به معنای حضور دائمی و همیشگی مخاطب و ادراک او از محیط در تعریف منظر است. بنابراین اگر مخاطب و ادراک او حذف شود، معنای آن ناقص شده و اساساً دیگر مفهومی تحت عنوان منظر وجود خارجی نخواهد داشت.

نتیجه‌گیری

رویکرد منظرین به دلیل آنکه تعریف خود را از ادراک مخاطب آغاز می‌کند و ذهنیت و ادراک او را جزئی لاینفک از منظر می‌شناسد، می‌تواند تأمین‌کننده حداکثر مشارکت باشد. ملاک قراردادن مخاطب و ذهنیت او به معنای تأمین دیدگاه‌ها و نظرات او خواهد بود و همین مسئله رضایتمندی مخاطب از محیط را به دنبال خواهد داشت. تعریف منظر به دلیل اینکه از ادراک مخاطب نشأت می‌گیرد، تعریفی از پایین به بالاست و همین دیدگاه ارتباط این مفهوم را با مشارکت مشخص می‌کند. بنابراین تعریف منظر نیازمند در نظر گرفتن مخاطب است. ادبیات مشارکت حق تصمیم‌گیری به صورت فردی را نمی‌کند اما اینکه چه کسی حق تصمیم‌گیری دارد را مشخص نمی‌کند، در حالی که رویکرد منظر می‌تواند پاسخگوی این سؤال باشد. این رویکرد با مشخص کردن جایگاه مخاطب، فضا و محیط را ساخته ذهن او می‌داند. در واقع شناخت ذی‌نفع در رویکرد منظر اتفاق می‌افتد؛ چیزی که حتی بسیاری از متخصصان نیز در شناخت آن دچار مشکل هستند. بنابراین در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش که ظرفیت‌های منظر در تحقق مشارکت چیست؟ می‌توان گفت رویکرد منظرین به فضا و محیط. زیرا این رویکرد فضا را از نگاه مخاطب آن ادراک می‌کند، پس به‌طور ذاتی مفهوم مشارکت را در خود داشته و اساساً هرگونه تعریف دیگری از آن در صورت نادیده گرفتن مخاطب، تعریف خود منظر و رویکرد منظرین را دچار اختلال خواهد کرد. در نتیجه منظر بدون مشارکت مخاطب و ذهن او بی‌معنا بوده و در تعارض با معنای منظر است و حتی می‌توان گفت منظر چیزی به غیر از مشارکت مخاطب نیست. بنابراین مهمترین و اصلی‌ترین ظرفیت آن، توجه به ذهن و ادراک مخاطب است.



تصویر ۴. مشارکت به عنوان جزئی لاینفک از تعریف منظر و مفهومی در بطن آن. مأخذ: نگارندگان.

پی‌نوشت‌ها

این مقاله مستخرج از رساله دکتری «مریم مجیدی»، تحت عنوان «نسبت مشارکت با رضایتمندی در منظر پیاده‌راه‌های شهر تهران» است که به راهنمایی دکتر «سیدامیر منصوری» و مشاوره دکتر «ژاله صابرنژاد» و دکتر «ناصر براتی» در بهمن ماه سال ۱۳۹۸، در دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به انجام رسیده است.

۱. Biro

۲. The International Association for Public Participation.

۳. Arnstein's Ladder of Citizen Participation.

۴. Pretty.

۵. White.

۶. پروژه «میدان امام حسین (ع)» و «پیاده‌راه ۱۷ شهریور» در سال ۱۳۹۱ توسط سازمان زیباسازی شهر تهران، به قصد ایجاد یک پیاده‌راه آیینی به بهره‌برداری رسید. اما مدت کوتاهی بعد از بازگشایی و احداث آن، با نارضایتی‌ها و اعتراض‌های مردمی مبنی بر مختل شدن کسب و کار و قطع دسترسی‌های مفید آنها مواجه شد. نارضایتی‌ها به حدی بود که بعد از گذشت حدود یک ماه از آغاز به کار این پیاده‌راه، به دلیل افزایش ترافیک در این محدوده و مختل شدن تردد ساکنان، بخشی از این محور دوباره به آمدوشد اتومبیل‌ها اختصاص پیدا کرد. هرچند این امر به‌عنوان اتفاقی موقتی تعبیر شد، اما با گذشت زمان تاکنون این روند هنوز متوقف نشده است. این پروژه علی‌رغم صرف هزینه‌های گزاف، شکست خورده و به یکی از بحث برانگیزترین پروژه‌های شهری تبدیل شد. امروز تنها بخش کوچکی از این محور، به پیاده‌راه اختصاص دارد. بسیاری از پژوهشگران دلیل این امر را عدم مشارکت مردمی و در نظر گرفتن مخاطب می‌دانند (سلطانی، فنوش و پیشرو، ۱۳۹۴؛ مجیدی، ۱۳۹۸).

۷. پروژه «گذر شهریار» به عنوان نمونه‌ای دیگر از پروژه‌های پیاده‌راه‌سازی شهر تهران است که در تیرماه ۱۳۹۹ با همکاری سازمان زیباسازی و شهرداری تهران ساخته و افتتاح شده است. این پیاده‌راه که بخشی از پهنه فرهنگی و هنری رودکی تهران است، به قصد ایجاد یک پیاده‌راه فرهنگی و پاتوقی برای اهالی هنرهای نمایشی و موسیقی، ساخته شده است. نگارندگان معتقد هستند که این پیاده‌راه نیز همچون ۱۷ شهریور، هدف مورد نظر را تأمین نخواهد کرد، زیرا فقط اقدامات سطحی در آن صورت گرفته و همچنان خبری از توجه به ذهن مخاطب و مشارکت او در فرایند تولید نیست.

فهرست منابع

- برک، آگوستین. (۱۳۹۲). آیا واژه منظر متحول می‌شود؟ منظر، ۵(۲۳)، ۲۵-۲۷.
- سلطانی، لیلی؛ فنوش، فهیمه و پیشرو، نیره. (۱۳۹۴). زندگی پیاده؛ گذر پیاده از میدان امام حسین (ع) تا شهدا. منظر، ۷(۳۱)، ۳۸-۴۷.
- مجیدی، مریم. (۱۳۹۸). نسبت مشارکت با رضایتمندی در منظر پیاده‌راه‌های شهر تهران. (رساله دکتری منتشر نشده معماری). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، ایران.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۳). درآمدی بر شناخت معماری منظر. باغ نظر، ۲(۲)، ۶۹-۷۸.
- منصوری، سیدامیر. (۱۳۹۲). چشم اسفندیار معماری منظر در تهران. منظر، ۵(۲۴)، ۲۴-۲۴.
- منصوری، سیدامیر و فروغی، مه‌دا. (۱۳۹۷). مفهوم طراحی مشارکتی منظر. باغ نظر، ۱۵(۶۲)، ۱۷-۲۴.
- Arnstein, Sh. R. (1969). A ladder of citizen participation. *Journal of the American Institute of Planners*, 35(4), 216-224.
- Backhaus, A., Fryd, O. & Dam, T. (2017). The urban water challenge. In A. van den Brink, D. Bruns, H. Tobi & S. Bell (Eds.). *Research in Landscape Architecture Methods and Methodology*. London: Routledge.
- Buchecker, M., Hunziker, M. & Kienast, F. (2003). Participatory landscape development: Overcoming social barriers to public involvement. *Landscape and urban planning*, 64, 29-46.
- Butler, A. (2014). *Developing theory of public involvement in landscape planning: Democratising landscape*. Uppsala: Swedish University of Agricultural Sciences.
- Bulter, A. & Berglund, U. (2014). Landscape character assessment as an approach to understand public interests within the European Landscape Convention. *Landscape Research*, 3(39), 219-236.
- Conrad, E., Cassar, L., Jones, M., Eiter, S., Izaovicova, Z., Barankova, Z. ... Fazey, I. (2011). Rhetoric and Reporting of public participation in landscape policy. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 13(1), 23-47.
- Cornwall, A. (2008). Unpacking 'participation': Models, meanings and practices. *Community Development Journal*, 43(3), 269-283.
- Egoz, S., Makhzoumi, J. & Pungetti, G. (Eds.). (2011). *The right to landscape: Contesting landscape and human rights*. London: Ashgate.
- Habraken, N.J. (1986). Towards a new professional role. *Design Studies*, 7(3), 139-143.
- Ingold, T. (1993). The temporality of the landscape. *World archaeology*, 25(2), 152-174.
- IAP2. (2007). *IAP2 spectrum of public participation*. Retrieved March 15, 2018, from www.iap2.org/associations/4748/files/IAP2%20Spectrum_vertical.pdf.
- Jones, M. (2007). The European Landscape Convention and the question of public participation. *Landscape Research*, 32(5), 613-633.
- Jones, M. (2011). European landscape and participation – Rhetoric or reality? In M. Jones & M. Stenseke (Eds.), *The European landscape convention*. Dordrecht: Springer.
- Jones, M., & Stenseke, M. (2011). *The European Landscape Convention – Challenges of participation*. Dordrecht: Springer Science & Business Media.
- Lawrence, A. (2006). No personal motive? Volunteers, biodiversity, and the false dichotomies of participation. *Ethics, Place and Environment*, 9(3), 279-298.
- Loures, L., Gómez, J.N., Castanho, R. & Loures, A. (2020). Benefits and limitations of public involvement processes in landscape redevelopment projects—Learning from practice. In E. Vaz (Ed.).

Regional Intelligence spatial analysis and anthropogenic regional challenges in the digital age. Berlin: Springer.

- Olwig, K. R. (2005). The landscape of "customary" law versus that of "natural" law. *Landscape Research*, 30(3), 299-320.
- Olwig, K. R. (2007). The practice of landscape 'Conventions' and the just landscape: The case of the European Landscape Convention. *Landscape Research*, 32(5), 579 – 594.
- Pretty, J.N. (1995). Participatory learning for sustainable agriculture. *World Development*, 23, 1247–1263.
- Reed, M.S. (2008). Stakeholder participation for environmental management: A literature review. *Biological Conservation*, 141(10), 2417-2431.
- Roe, M. (2013). Policy change and ELC implementation: Establishment of a baseline for understanding the impact on UK national policy of the European Landscape Convention. *Landscape Research*, 38(6), 768-798.
- Rowe, G. & Frewer, L.J. (2004). Evaluating public-participation exercises: A research agenda. *Science, Technology & Human Values*, 29(4), 512-556.

- Schultz, H. & Van Etteger, R. (2017). Walking. In A. van den Brink, D. Bruns, H. Tobi & S. Bell (Eds.). *Research in landscape architecture methods and methodology.* London: Routledge.
- Sanoff, H. (2010). *Democratic design: Participation case studies in urban and small town environments.* Saarbrucken, Germany: VDM.
- Smith, B. (2003). *Design a policy participation process. In Public policy and public participation engaging citizens and community in the development of public policy.* Canada: Public Health Branch, Atlantic Regional Office, Health Canada.
- Tress, B. & Tress, G. (2003). Scenario visualisation for participatory landscape planning-A study from Denmark. *Landscape and Urban Planning*, 64(3), 161-178.
- Wates, N. (2014). *The community planning Handbook: How people can shape their cities towns and villages.* London: Earthscan.
- White, S.C. (1996). Depoliticising development: The uses and abuses of participation. *Development in Practice*, 6(1), 6-15.
- Wylie, J. (2013). Landscape and phenomenology. In P. Howard, I. Thompson & E. Waterson (Eds.). *The Routledge companion to landscape studies.* Abingdon: Routledge.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

مجیدی، مریم؛ منصوری، سیدامیر؛ صابرنژاد، زاله و براتی، ناصر. (۱۴۰۰). ظرفیت‌های منظر در تحقق مفهوم مشارکت در طرح‌های شهری. *منظر*، ۱۳(۵۴)، ۱۸-۲۷.

DOI: 10.22034/manzar.2020.242196.2077

URL : http://www.manzar-sj.com/article_115060.html

